

را به تبلی و ترسناکی و سستی عزم وصف نمود بعد از ملاصق شتر پیرنطق مؤثری کرد عاقبت نه نفر از سرکردگان داور طلب جنگ حکم شدند و چون قرعه کشیده شد بنام آژاکس افتاد : آژاکس سلاح برتن آراست و بمقابله حکمتر رفت ؛ چندین حمله که میان طرفین رد و بدل شد شب فرا رسید و آنها را از یکدیگر جدا ساخت . افواج سپاه بقرار گاه خود رفتند . شتر در اردوی یونان ندا کرد که به دفن کشتگان پردازند و تا زمانی که از دفن آنها فارغ نشده اند جنگ در محل وقفه و تعطیل خواهد ماند .

در اردوی تروا هم آنتور سرکردگان سپاه را دعوت کرده که برای جنو گیری از قتل نفوس هنی و اموالش را باردوی یونان باز گردانند .

پاریس در باز گردانیدن هنی مخالفت کرد ولی در رد کردن امون او موافقت نمود و عقیده اش این بود که در عوض هنی مملداری مال بر اموالی که بیونان رد مینمایند علاوه کنند .

پرنام رسولانی باردوی یونان فرستاد و عقیده پاریس را بانه ابلاغ کرده تقاضا نمود که اجزات دهند برای دفن مقتولین جنگ موقتاً موقوف باشد . فرستادگان پرنام دعوت و تقاضای پادشاه خود را باردوی یونان ابلاغ کردند و تمام سرکردگان سپاه یونان آن دعوت را پذیرفتند فقط دیو-

مد از قبول آن استنکاف کرد و گفت نباید چنگش را
موقوف ساخت . عاقبت چنگ موقوف شد و طرفین بدفن
اجساد مقتولین پرداختند

یونانی ها پس از آنکه از دهن اجساد فراغت پیدا
کردند روز دیگر بر حسب مشورت انتر برای جلوگیری
حمله و هجوم سپاه تر و اشروع بحفر خندق نمودند و پشت
خندق حصار محکمی بنا کردند . نینون (۱) رب النوع
دریا چون کینه یونان را در دل داشت و مشاهده کرده که
این خندق و این حصار برای سپاه یونان سنگر بسیار محکمی
است در مجلس شورای خدایان از یونانی ها بدگویی کرد
و از آنها بسی عیب جوئی نمود . زویتر او را امر
بسکوت کرد .

افواج سپاه طرفین بقیه شب را بغیاضت و خوردن
طعام و شراب صرف نموده و خوابیدند

روز بیست و سوم چنگ هکتر و آژاکس و روز
بیست و چهارم بقرار دانه تعطیل چنگ و روز بیست و پنجم
بدفن مقتولین و روز بیست و ششم به بناء حصار و حفر
خندق یونان تمام میشود

سرود هشتم

نیکار دوم

همینکه ساعات آخر شب گذشت و سریده دم ، سطح

خاتمه را پیراهن نیک رنگ بوشانید ، ژوپیتتر با جبروت خدای
 خود مجلس خدایان را در قلعه المپ تشکیل داد و نطق
 سلطنت خیزی ایراد نموده چنین گفت : من یقین دارم که
 تمام رب انواع ها و ربه النوع ها و همچنین جمیع انس
 و جن بقدرت و عظمت مقام من آگاه اند . پس من میل
 ندارم که هیچیک از ارباب انواع در جنگ یونان و تروا
 دخالت کنند و چنانچه مشاهده شد که یکی از خدایان با
 این میل و صلاح دید من مخالفت کرد بدون کمترین
 تردیدی و بدون قبول سعادت احدی او را از قرارگاه
 خدایش بسوی درکات جهنم و اسفل السافین دوزخ پرتاب
 می کنم .

هیبت این نطق طوری بود که هیچیک از ارباب
 انواع جرئت نکردند کلمه ای در جواب خدای خدایان
 اظهار نمایند . فقط آتن که دختر ژوپیتتر بود پرده سکوت
 را پاره کرد و با تضرع و التماس درخواست نمود که
 باو اجازه داده شود در موقع لزوم از معاونت و باری
 اردوی یونان دریغ ننماید ، ژوپیتتر درخواست ویراپدیریت
 و برای او آرایه خداوندی خویش را حاضر کرد که آتن
 سوار آن گردیده و بمیدان جنگ فرود آید ، آتن سوار
 آرایه شد و بکوه ایذا (۱) عزیمت نمود اردوگاه سپاه
 ژوپیتتر نصب و استوار بوده و اکنون آنکوه را (قاز طاغ) گویند

(۱) قاز طاغ (۱) کوزه ای است که بر قلعه اش نخت خداوندی

طرفین و ساحت فنال را تحت نظر قرار داد
 اوقات تعطیل و موقوفی جنگ سر آمده بود و هر دو
 سپاه هر کدام برای بودن گوی فتح و ظفر حاضر و مهیا
 گردیده و از اول صبح نازم جنگ اشتعال داشت . چون
 روز به نیمه رسید ژوپیتر نازوی طلای خود را بلند کرد
 کفه تروا سنگینی نمود و معلوم شد که فتح و غلبه نصیب
 اردوی تروا خواهد گردید . بر این ژوپیتر تروا رعد و
 برق شدیدی بر سپاه یونان نازل کرد و سپاه یونان از میدان
 جنگ فرار نمودند و تروائی ها آنان را دنبال کردند و
 بهصاریکه یکی دو شب قبل بنا نموده بودند راندند . در
 آن هنگامه عظیم و گریو دار خونین تردید بود نستر به
 دست هکتر کشته شود که دیو مد بسکک او شرافت . ژوپیتر
 صاعقه ای بر دیو مد نازل کرد و او را ترسانید و نگذارید
 در برابر هکتر مقاومت کند . ژونن به نیتون متوسل شد
 و قاضی کرد که یونانیان را یاری کند . نیتون کاضای او
 را رد کرد . آگاممن چون دید تردید است که یکباره
 سپاه تروا فاتح شود . از طرفی شرعیب و تشویق سپاه خود
 پرداخت و از طرف دیگر به درگاه ژوپیتر به مناجات و زاری
 مشغول شد . طولی نکشید که بواسطه معجزه ژوپیتر قضیه
 دیگرگون شد و نسیم فیروزی بر چم سپاه یونان وزیدن
 گرفت . دیو مدو تومر (١) که برادر آژاکس و بزرگ

ترین تیر اندازان یونانی بود پس خون ریزی نمودند ولی
توس مجروح گردید . بارانش نزودی او را در ایامه برای
معالجه از میدان بیگار بسوی گشتی بردند .

ژوپتر از کمک یونان منصرف شد و بیاری نردن
تروا پره اخت . سپاه تروا فتح شایستی کردند . ژون و
آنی بکمک یونان دهافتند ژوپتر ابریس را بچلو گیری آنها
فرستاد و آن دو را بدون اینکه بمقصود رسیده باشند
گرددانید ژوپتر با لیس مراجعت کرد . خدا یز بگردش
حلقه زدند و عقبت امر را از او استفسار نمودند . ژوپتر جواب داد که سپاه
یونان را باید باندازه ای سرکومی و کوشمالی داد تا آتش
خشم آشیل خاموش گردد و برای جنگ و مقابله سپاه
تروا حاضر شود

ظلمت شب در رسید و فریقین از هم جدا شدند .
هکتر جاسوسان و دیده بانانی بر اردوی دشمن گماشت
که شبانه فرار نکنند . اردوی تروا سلاح خود را بر
زمین ننگدارند و برای دیده بانان دشمن هزاران مشعل
افروخته بودند تا اینکه بامداد فرا رسد و سپاه یونان را
یکباره منهزم نمایند

وقایع این سرود در یک روز تمام بعمل آمد و
محل جریان عمده حوادث نزدیک ساحل ذریا و بقیه در
فران گاه های ژوپتر بوده است